



مرکز تحقیقات اسلامی

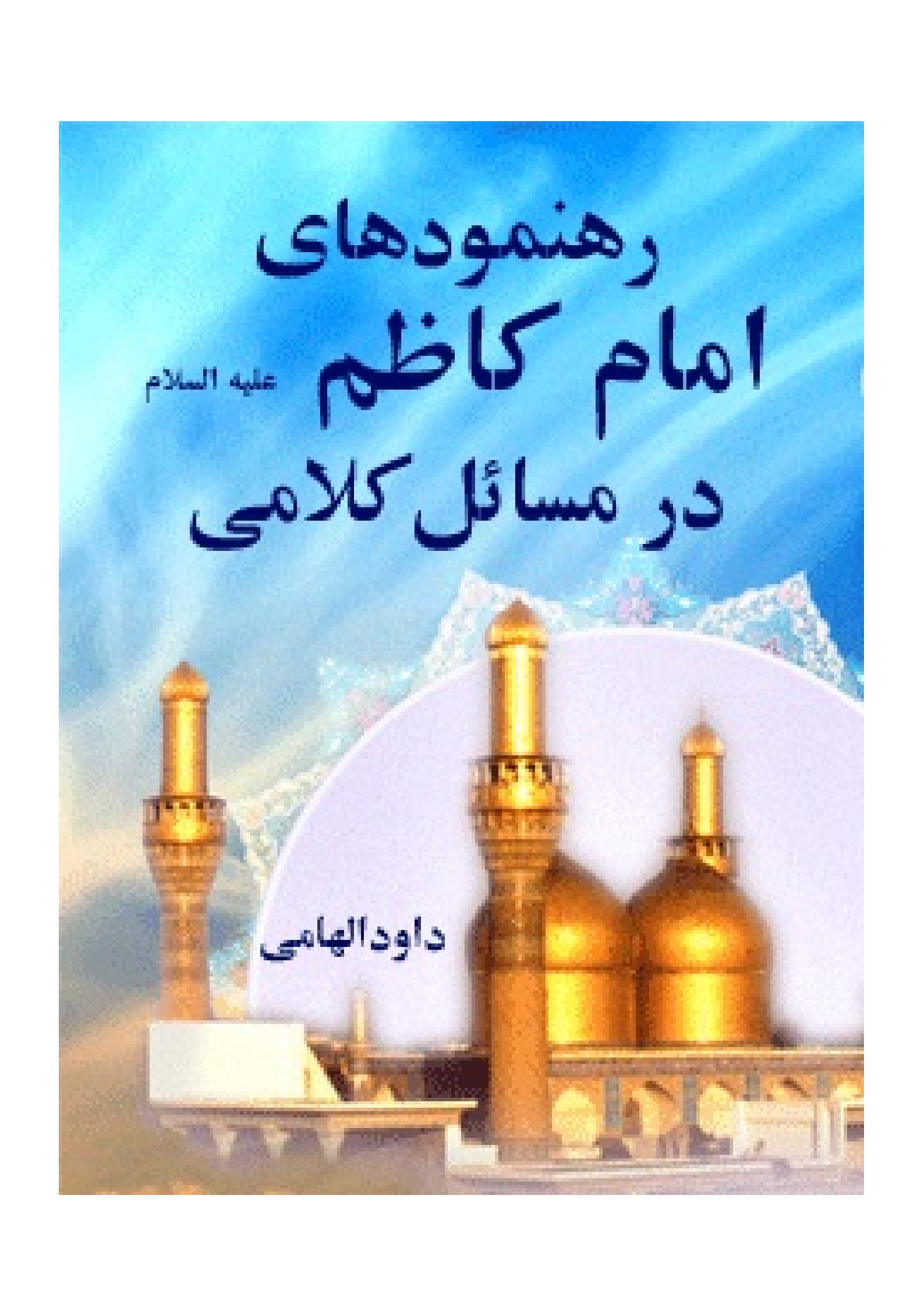
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



رهنمودهای
امام کاظم
علیه السلام
در مسائل کلامی

داود الهامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنمودهای امام کاظم علیه السلام در مسائل کلامی

نویسنده:

داود الهامی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ رهنمودهای امام کاظم علیه السلام در مسائل کلامی
۶ مشخصات کتاب
۶ رهنمودهای امام کاظم در مسائل کلامی
۷ ذکر چند نفر از بزرگان اصحاب امام کاظم
۷ اشاره
۷ حماد بن عیسی کوفی بصری
۷ عبدالله بن جندب بجلی کوفی
۸ عبدالله بن مغیره بجلی کوفی
۸ عبدالله بن یحیی کاملی کوفی برادر اسحاق
۹ هشام بن الحکم
۹ دیگر صحابه ی امام کاظم و صحابه ی ساختگی توسط صوفیه
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رهنمودهای امام کاظم علیه السلام در مسائل کلامی

مشخصات کتاب

مؤلف: داود الهامی

بر گرفته از:

رهنمودهای امام کاظم در مسائل کلامی

امام کاظم (علیه السلام) با وجود تقیه شدید به نشر علوم و معارف اسلامی پرداخت و احادیث بسیاری در اختیار شیعه گذاشت، چنانکه می‌توان گفت روایات فقهی آن حضرت پس از امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - از سائر ائمه بیشتر است و به واسطه ی شدت تقیه در غالب روایاتی که از آن حضرت نقل شده از وی به «عالم» و «عبد صالح» و «الرجل» و نظائر آنها تعبیر شده است و به اسم آن حضرت تصریح نشده است. در زمان امام کاظم (علیه السلام) مکتب اعتزال که اصل اساسی آن بر توجیه مسائل دینی در سایه ی عقل بود، راه افراط می‌پیمود و عقل گرایان مقوله های دینی را به دست عقل سپرده بودند و این کاری نبود که نتایج مطلوبی به بار آورد. و نمونه های آن، انواع و اقسام عقایدی است که به وسیله ی عقل گرایان در رابطه با توحید و اوصاف خداوند مطرح شده است گاهی صفات متضاد بر خدا نسبت داده و گاهی برخی از صفاتی را که به تصریح قرآن، خداوند متصف به آنها است از او سلب کرده اند. البته توجیه مسائل دینی در پرتو عقل چیزی نبود که برای شیعیان قابل قبول نباشد ولی پیمودن راه افراط در این باره خطراتی دارد که بر اهل بصیرت مخفی نیست لذا ائمه اطهار در عین عنایت به عقل، حد مشخصی برای کاربرد آن در مسائل دینی تعیین کرده اند. در زمان امام کاظم (علیه السلام) تأویلات و توجیهاات عقلی در مقوله های دینی زیاد بود لذا آن حضرت با این فکر خطرناک به خصوص در رابطه با صفات خداوند مبارزه کرده و برای شیعیان رهنمودهای بسیار مهم و ارزنده ای دارند که از آن جمله وقتی از آن حضرت درباره صفات خداوند سؤال کردند فرمود: «لا تتجاوزوا ما فی القرآن». (از آنچه در قرآن است، تجاوز نکن). و در تعبیر دیگر فرمود: «لا تتجاوزوا فی التوحید ما ذکره الله تعالی فی کتابه فتهلک». (درباره ی توحید از آنچه خدای تعالی در کتاب خود ذکر کرده تجاوز نکنید که هلاک می شوید). و در روایت دیگر آمده است: محمد بن حکم گوید: کتب ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) الی ابی: «ان الله اعلی و اجل و اعظم من ان یبلغ کنه صفته فصفوه بما وصف به نفسه و کفوا عما سوی ذلک». موسی بن جعفر (علیه السلام) به پدرم نوشت: (خدا بالاتر و بزرگتر از آن است که حقیقت صفت او درک شود، پس او را به آنچه خود توصیف نموده، توصیف کنید و از غیر آن دست بردارید). در روایت دیگری آمده، نیشابوری گوید: به امام (علیه السلام) نوشتم که مردم زمان ما درباره ی توحید اختلاف دارند بعضی گویند: او جسم است و بعضی گویند: او صورت است. حضرت به من نوشت: «سبحان من لا یحد و لا یوصف و لا یشبهه شی و لیس کمثلہ شی و هو السمع البصیر». (منزه باد آنکه محدود نباشد و به وصف درنیاید، چیزی مانند او نیست و او به چیزی نماند و او شنوا و بیناست). و زمانی که خود می‌خواست اوصاف خدا را بشمارد تنها از آیات قرآن بهره می‌گرفت. محمد بن حکم گوید: برای موسی بن جعفر (علیه السلام) گفتار جوالیقی را بیان کردم و گفتار هشام بن حکم را حکایت نمودم که: خدا جسم است، حضرت فرمود: «ان الله تعالی لا یشبهه شیء ای فحش او خنی اعظم من قول من یصف خالق الاشیاء بجسم او صورۃ او بخلقۃ او بتحدید و اعضاء، تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا». (خدای تعالی را چیزی مانند نیست، چه دشنام و ناسزائی بزرگتر است از گفته کسی که خالق همه چیز را به جسم یا صورت یا مخلوقش یا محدودیت و اعضاء توصیف کند خدا از این گفتار بسیار برتری دارد). امام کاظم (علیه السلام) در مقابل اهل حدیث که از مشبهه بودند و با تمسک به ظواهر آیات و روایات سعی می‌کردند برای خدا صفات انسانی و مادی بتراشند، نیز ایستادگی

کرده و خدا را از هر نوع تشبیه و اوصاف مادی مبرا می ساخت. وقتی به او گفته شد عده ای عقیده دارند که خدا به آسمان دنیا نزول می کند فرمود: «ان الله لا ينزل ولا يحتاج الى ان ينزل انما منظره في القرب والبعد سواء لم يبعد منه قريب و لم يقرب منه بعيد و لم يحتاج الى شئ بل يحتاج اليه و هو ذوا الطول لا اله الا هو العزيز الحكيم». (خداوند فرود نیاید و نیازی به فرود آمدن ندارد زیرا دور و نزدیک به طور مساوی در منظر و معرض دید اوست، هیچ نزدیکی از او دور نشده و هیچ دوری به او نزدیک نگشته، او به چیزی نیاز ندارد، بلکه نیاز همه به اوست او عطا کننده است شایسته پرستشی جز او نیست، عزیز و حکیم است). اما قول الواصفین: «انه ينزل تبارك و تعالی فانما يقول ذلك من ينسبه الى نقص او زیاده و...». (اما گفت وصف کنندگانی که گویند: خدای تبارک و تعالی فرود آید (درست نیست) و این سخن را کسی گوید که خدا را به کاهش و فزونی نسبت دهد (زیرا جسم محدود است و هر محدودی کم و زیاد می شود). به علاوه هر متحرکی احتیاج به محرک یا وسیله حرکت دارد، کسی که این گمانها را به خدا برد هلاک گردد، پرهیزد از اینکه راجع به صفات خدا در حد معینی بایستد و او را به کاهش یا فزونی یا تحریک یا تحرک یا انتقال یا فرود آمدن یا برخاستن یا نشستن محدود کنید، خدا از توصیف و صفات و ستایش ستاینده گان و توهم متوهمان والا و گرامی است). کلمات دقیق و بسیار گرانبهائی درباره ی صفات خداوند از امام کاظم (علیه السلام) رسیده است. روایات دیگری نیز در رابطه با مسائل اعتقادی از آن حضرت نقل شده است که هدف این روایات معمولا توضیح مواضع اعتقادی شیعه در برابر معتزله و اهل حدیث می باشد.

ذکر چند نفر از بزرگان اصحاب امام کاظم

اشاره

با وجود اختناق و خفقان عجیبی که در زمان امام کاظم (علیه السلام) برای شیعیان وجود داشت، عده ی زیادی از دانشمندان و بزرگان شیعه از علم و دانش آن حضرت استفاده فراوانی کردند و روایات زیادی در زمینه های مختلف از آن بزرگوار نقل نمودند و اینک به عنوان نمونه به ذکر چند نفر از اعظام اصحاب آن حضرت اکتفا می کنیم:

حماد بن عیسی کوفی بصری

او از اصحاب اجماع است و زمان چهار امام را درک کرده و در سال ۲۰۹ در زمان امام جواد رحلت نموده است او در ضبط و نقل احادیث، دقیق و محتاط بوده و می گفت که من هفتاد حدیث از امام صادق (علیه السلام) شنیدم ولی به خاطر شک در زیاده و نقصان بعضی از آن احادیث، به بیست حدیث اکتفاء کردم. حماد همان است که از امام کاظم (علیه السلام) درخواست کرد که در حق او دعا کند تا خداوند خانه و همسر و فرزند و خادم و حج در هر سال نصیب او گرداند و آن حضرت گفت: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارزقه دارا و زوجة و ولدا و خادما و الحج خمسين سنة» و دعای امام در حق او مستجاب شد و پنجاه مرتبه حج کرد و چون خواست حج پنجاه و یکم کند همینکه به وادی قنأه رسید و خواست غسل احرام انجام دهد، در آب غرق شد.

عبدالله بن جندب بجلی کوفی

وی ثقه جلیل القدر و عابد و از اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) و وکیل ایشان است. کشی روایت کرده که عبدالله بن جندب از امام کاظم (علیه السلام) پرسید آیا از من راضی هستی؟ امام فرمود: ای والله و رسول الله و الله عنک راض. آری به خدا قسم رسول خدا و خداوند هم از تو راضی است. و هم فرمود که عبدالله جندب از مخبتین است یعنی از کسانی که حق تعالی درباره

ی ایشان فرموده: (و بشر المخبتین الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم). روایت شده از ابراهیم بن هاشم که گفت من عبدالله بن جنذب را در عرفات دیدم و حال هیچ کسی را بهتر از او ندیدم، پیوسته دستهای خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش جاری بود، چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچ کس را بهتر از وقوف تو ندیدم. گفت: به خدا قسم دعا نکردم مگر برادران مؤمن خود را. زیرا که از امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمود: «الداعی لأخیه المؤمن بظهر الغیب ینادی من اعناق السماء لک بكل واحده مائة الف». هر که دعا کند از برای برادر مؤمن خود در غیاب او، از عرش به او ندا رسد که از برای تو صد هزار برابر او باد، پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمی دانم مستجاب خواهد شد یا نه؟ در روایت دیگر آمده وقتی عبدالله بن جنذب نامه ای به خدمت امام کاظم (علیه السلام) نوشت که فدایت شوم من دیگر پیر شده ام و ضعیف و عاجز گشته ام و دوست دارم تعلیم کنی مرا کلامی که مرا به خدا نزدیک کند و فهم و علم مرا زیاد گرداند، حضرت در جواب او فرمود این ذکر شریف را بسیار بخواند: «بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم». خلاصه جلال شأن عبدالله بن جنذب زیاده از آن است که در اینجا ذکر شود و بعد از فوت او علی بن مهزیار در مقام او قرار گرفت. و در ابواب مختلف روایات زیادی از او نقل شده است.

عبدالله بن مغیره بجلی کوفی

او مرد ثقه و از فقهای اصحاب است و در جلال شأن و دین و ورع کسی از اصحاب، نظیر او نمی شود. و روایات زیادی از امام کاظم (علیه السلام) نقل کرده است و طبق نقل کشی او واقفی بوده و رجوع به حق کرد. عبدالله بن مغیره از اصحاب اجماع است و گفته شده که سی کتاب نوشته از جمله کتاب وضوء و کتاب صلاة است. مرحوم مفید در اختصاص نقل کرده است که چون عبدالله بن مغیره کتاب خود را تصنیف کرد وعده کرد آن را با اصحاب خود در یکی از زاویه های مسجد کوفه بخواند و برادری داشت که مخالف مذهب او بود، چون اصحاب برای شنیدن آن کتاب جمع شدند برادرش آمد و در آنجا نشست. عبدالله به ملاحظه برادر مخالفش به یارانش گفت امروز بروید برادرش گفت کجا بروند، من نیز آمده ام برای همان جهت که آنها آمده اند، عبدالله گفت مگر برای چه آمده اند؟ گفت: ای برادر در خواب دیدم که ملائکه آسمان فرود می آمدند گفتم برای چه این ملائکه فرود می آیند، شنیدم که گوینده ای گفت فرود آمدند که بشنوند آن کتابی را که عبدالله بن مغیره بیرون آورده. پس من نیز برای این منظور بیرون آمدم من از مخالفت خود توبه می کنم. پس عبدالله خوشحال شد.

عبدالله بن یحیی کاملی کوفی برادر اسحاق

هر دو برادر از روات امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) می باشند و عبدالله پیش امام کاظم (علیه السلام) موجه بود و آن حضرت سفارش او را به علی بن یقظین کرده بود و به او فرموده بود که ضمانت کنی برای من کفالت کاملی و اهل و عیال او را، تا من نیز برای تو بهشت را ضمانت کنم. علی قبول کرد و پیوسته پول و سایر نفقات برای ایشان می داد و چندان بر کاملی نعمت عطا می کرد که اهل و عیال و خویشان او نیز بهره مند می شدند، تا روزی که کاملی وفات کرد. کاملی قبل از وفات خود به حج رفت و خدمت امام موسی کاظم (علیه السلام) وارد شد، حضرت به او فرمود: در این سال عمل خیر انجام بده یعنی در این سال اهتمام به عمل خیر زیاد باشد، زیرا اجل تو نزدیک شده است کاملی گریست. حضرت فرمود برای چه گریه می کنی؟ گفت برای آنکه خبر مرگ به من دادی. فرمود: «ابشر فانک من شیعتنا و انت الی خیر» (بشارت باد ترا که تو از شیعیان مائی و امر تو به خیر است). می گوید عبدالله بعد از این زنده نماند مگر وقت کمی، پس بدرود حیات گفت.

هشام بن حکم

مولی کننده که از اعظام ائمه کلام و از کیای اعلام است با افکار بلند و بیان قوی خود ترویج مذهب امامیه می نمود، محل تولدش کوفه و سکونتش به خاطر تجارتش بغداد بوده است و از دو امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت کرده و در مدح و توثیق او از این دو امام روایاتی نقل شده است. مردی حاضر جواب و در علم کلام بسیار حاذق و ماهر بوده «و کان ممن فتن الکلام فی الإمامه و هذب المذهب بالنظر» و در سال ۱۷۹ هجری در کوفه در گذشت و بنا به روایت نجاشی و طوسی فوت هشام به سال ۱۹۹ اتفاق افتاد. کشی مرگ او را با دستگیری امام کاظم (علیه السلام) در سال ۱۷۹ مرتبط می داند. مرحوم شیخ طوسی می نویسد: هشام بن حکم از خواص سید ما و مولای ما امام موسی (علیه السلام) است و در اصول دین و غیره مباحثه بسیار با مخالفین کرده، علامه فرموده که روایاتی در مدح او وارد شده و به خلاف آن نیز احادیثی نقل شده که ما در کتاب کبیر خود ذکر کردیم و از آن جواب دادیم و این مرد در نزد من عظیم الشأن و بلند مرتبت است. حضرت رضا (علیه السلام) بر او رحمت فرستاد و ابو هاشم جعفری خدمت حضرت جواد (علیه السلام) عرض کرد که چه می فرمائید درباره ی هشام بن حکم؟ فرمود: خدا او را رحمت کند «ما کان اذبه عن هذه الناحیه». هشام بن حکم کتابهایی درباره ی توحید و امامت و ابواب مختلف فقه در رد بر زنادقه و طبیعی مذهبان و معتزله تألیف کرده است. مباحثات و مناظرات هشام بن حکم مشهور است؛ مناظرات او با آن مرد شامی در خدمت امام صادق (علیه السلام) و محاجه او با عمرو بن عبید معتزلی و مناظره اش با متکلمین در مجلس یحیی بن خالد برمکی هر کدام در جای خود به تفصیل آمده است. و سرانجام مناظره ی او در مجلس یحیی که هارون از پشت پرده آن را می شنید، باعث آن شد که هارون در صدد قتل وی بر آمد، هشام از ترس او در مدائن پنهان شد و از آنجا به کوفه فرار کرد و در همانجا در گذشت.

دیگر صحابه ی امام کاظم و صحابه ی ساختگی توسط صوفیه

شرح حال دیگر اصحاب امام کاظم (علیه السلام) چون: علی بن یقظین، مفضل بن عمر، یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقظین، عبدالرحمان بن حجاج، یونس بن یعقوب و عمار ساباطی در کتب تراجم به تفصیل آمده است که این مقام، گنجایش بیش از این را ندارد و هر کدام از آنها، ستاره های درخشانی هستند که قرنهای نور افشانی می کنند و طریق حق را به پیوندگان آن روشن می سازند. در این میان صوفیه برای اثبات همبستگی و پیوند خود با امام کاظم (علیه السلام) برخی از سران خود را اصحاب و شاگرد امام معرفی کرده اند و برای فریب مردم سلسله خود را به آن حضرت نسبت داده اند، معاصر بودن و یا احیاناً مختصر برخورد آنها را با امام دلیل صحابه بودن آنها دانسته اند. مثلاً گفته اند: شقیق بلخی (متوفی ۱۹۴هـ) از شاگردان آن امام بوده و از آن حضرت روایت نقل کرده است همچنین امام کاظم (علیه السلام) استاد حاتم اصم (متوفی ۲۳۷هـ) و معاصر ابراهیم ادهم (۱۶۱هـ) بوده است و شقیق به تهمت رافضی بودن در ماوراء النهر کشته شد و معروف کرخی را دربان امام رضا (علیه السلام) دانسته اند و توبه ی بشر حافی را به دست امام کاظم (علیه السلام) نوشته اند. قشیری این روایت را ذکر کرده است که: بشر پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید و آن حضرت به وی فرمود: «از جمله اسبابی که خداوند او را از میان اقرانش بلند کرده است، دوستی او به یاران و اهل بیت پیغمبر بوده است». به نقل صاحب طرائق الحقایق از ابن جوزی (در کتاب: اناره العزم الساکن الی اشرف الاماکن) شقیق بلخی گفته است: «آهنگ سفر حج کردم، در قادسیه فرود آمدم، در آن هنگام که به مردم و زینت آنان می نگریستم، چشمم به جوانی نیکو چهره و گندم گون و نحیف افتاد که در پاهایش نعلینی بود، وی جداگانه در گوشه ای نشست. با خود گفتم: یقین این مرد از صوفیان است و می خواهد بار دوش حجاج شود، می روم او را سرزنش می کنم. پس نزدیک وی شدم گفتم: ای شقیق «اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم». (از بسیاری از گمانها دوری جوئید، همانا برخی از گمانها گناه است). پس از آن مرا ترک

گفت، با خود گفتم: وی بنده ای صالح است آنچه در نهان من بود، آشکار کرد، بروم او را دریابم و از او پوزش خواهم. پس به شتاب در دنبال او روان شدم ولی او از نظر من ناپدید شد، چون در «واقصه» فرود آمدم، دیدم وی به نماز ایستاده است و اندامش می لرزد و اشکهایش روان است با خود گفتم: این همان رفیق من است چون از نماز فارغ شد، گفت: ای شقیق این آیه را بخوان: و انی لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدی. (همانا من آمرزنده ام کسی را که توبه کند و ایمان آورد و کار نیکو انجام دهد، پس از آن هدایت یابد). پس مرا ترک گفت با خود اندیشیدم که: این شخص از ابدال است تاکنون دو بار از راز دل من خبر داد. بعد از آن او را بر لب چاه آبی دیدم که در دستش کوزه ای بود، ناگاه کوزه در چاه افتاد. پس به گوش چشم به آسمان نگریست و گفت: تو مایه سیراب شدن منی هر گاه تشنه شوم و قوت و خوراک من می باشی هر گاه گرسنه باشم. پس از آن گفت بار خدایا ای آقای من، من به جز تو دیگری ندارم، آن کوزه را از من بگیر. شقیق گوید: به خدا سوگند دیدم که آب بالا آمد تا آنکه توانست کوزه را از آب بگیرد، آنگاه وضو گرفت و چهار رکعت نماز گزارد. پس به سوی تلی از ریگها روان شد و پاره ای از آنها را در کوزه ریخت و آن را تکان داد و از آن آشامید. من نزدیک او رفتم و بر وی سلام کردم و گفتم: به من بچشان از زیادی آنچه خدا به تو بخشیده است. گفت ای شقیق نعمتهای خداوند چه آشکار و چه پنهان همواره به ما ارزانی می شود، پس نیکوگردان گمانت را به پروردگارت، آن کوزه خود را به من داد. من از آن شربتی که آمیخته به شکر و آرد نرم بود، نوشیدم که هرگز در عمرم لذیذتر و گواراتر از آن نیاشامیده بودم. مدتها پس از آن دیگر به خوردنی و نوشیدنی اشتها نداشتم. پس از آن او را در مکه مشغول طواف دیدم که گرد او را خدم و حشم و دوستانی فرا گرفته بودند و با او از جانب راست و چپ در طواف بودند مردم بر گرد او جمع شدند و اطراف او را می بوسیدند من در شگفت شدم و گفتم: این کیست؟ گفتند موسی کاظم (علیه السلام) است. بر فرض اگر این جریان راست هم باشد دلیل خوبی صحابه بودن شقیق نیست. اگر شقیق معروف در حد یک صحابه با امام ارتباط داشت، می بایست شیعه که تابعان و خدمتکاران اهل بیت پیامبرند، آنها را بشناسند و از آنها احادیثی روایت کنند و در کتابهای خود نام آنها را ذکر نمایند و حال آنکه شیعیان آنها را نمی شناسند و در میان اهل سنت کمال شهرت را دارند. و اگر به فرض معروف کرخی دربان هم باشد دربانی دلیل خوبی او نمی باشد، که اگر دربانی دلیل خوبی او می بود، می بایست: انس که دربان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، از خوبان صحابه باشد، و حال آنکه او از اشقیاست. عطار در تذکره الاولیاء گفته که معروف ترسانی بود و بر دست علی بن موسی الرضا (علیه السلام) مسلمان شد آنگاه نزد داود طائی رفته ریاضت بسیار کشید و همو می نویسد که، داود از شاگردان و مخلصان ابو حنیفه بوده و به مکر و حيله، هارون الرشید را فریفته خود ساخته بود. باز عطار در همان کتاب نوشته که: شیعه یک روز بر در خانه علی بن موسی الرضا (علیه السلام) مزاحمت کردند و پهلوی معروف کرخی را بشکستند و بیمار شد و سرانجام کشته شد. از این جمله استفاده می شود که: شیعه قاتل معروف بوده اند، به قول مرحوم مولا محمد طاهر قمی، بی شک اگر معروف مخالف مذهب نمی بود، شیعه پهلوی او را نمی شکستند. و باز عطار نقل کرده که چون وفات کرد، جهودان و ترسایان و مؤمنان هر طایفه در وی دعوی کردند، که از ماست و جنازه او را ما بر می گیریم این خبر دلالت می کند بر اینکه: معروف منافق بوده زیرا که مؤمن طوری سلوک و رفتار نمی کند که جهودان و ترسایان او را از خود بدانند؟!!

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی)

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

